

فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره سوم (پیاپی ۱۱) پاییز ۱۳۹۹، صص ۲۷۷۴-۲۷۵۴

### بررسی تطبیقی عسر و حرج زوجه در حقوق ایران و انگلیس

عفت حمزه حسین آبادی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۲۰

قوام کریمی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲

مهران جعفری<sup>۳</sup>

چکیده

یکی از این قواعد مهم و اساسی که در حقوق خانواده کاربرد زیادی دارد، قاعده عسر و حرج است که علاوه بر جریان آن در بسیاری از ابواب فقه، در قوانین موضوعه نیز تجلی یافته است و کلید گشایش بسیاری از مسائل از جمله طلاق می باشد. لذا با توجه به اهمیت موضوع بررسی دقیق ارکان و شرایط ایجاد عسر و حرج و هم چنین کاربرد آن در طلاق به درخواست زوجه امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. از آنجا که همیشه نسبت به مسائل مربوط به خانواده با حساسیت خاصی نگریسته شده و نسبت به کوچکترین این مسائل از دیرباز مخالفین و موافقین زیادی وجود داشته، این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه ای و اسناد و مدارک معتبر به عنوان ابزار بدنبال بررسی تطبیقی عسر و حرج زوجه در حقوق ایران و حقوق انگلیس می باشد. نتایج نشان دادند که درخواست طلاق به دلیل عسر و حرج در قانون ایران فقط از جانب زن با اثبات موارد خاصی امکان پذیر می باشد؛ در حالی که قوانین طلاق در انگلستان، این اجازه را هم به مرد و هم به زن می دهد که در صورت اثبات یکی از موارد عسر و حرج، درخواست طلاق بدهد.

کلیدواژگان: عسر و حرج، طلاق، حقوق ایران، حقوق انگلیس؛

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. (نویسنده مسئول). ghavamkarimi@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. Mehran95jafari@yahoo.com

طلاق از جمله مسائل حقوقی نامطلوب در جامعه است که متأسفانه در حال حاضر بخش قابل توجهی از دعاوی مطروحه در محاکم خانواده را تشکیل می‌دهد. از جمله علل وقوع پدیده ی طلاق می‌توان به عسر و حرج زوجه اشاره کرد که از دیدگاه حقوقی از موضوعات قابل تعمق می‌باشد. (صابری صفایی، ۱۳۹۶: ۲۲)

طلاق گاهی اوقات از طرف مرد درخواست می‌شود که در این صورت دلیل خاصی لازم ندارد و با رعایت تشریفات مقرر در قانون، گواهی عدم امکان سازش صادر و در دفترخانه صیغه طلاق جاری می‌شود. گاهی طلاق از طرف زوجه درخواست می‌شود که در این مورد، نیاز به ارائه دلایل قانونی می‌باشد و در صورت وجود این دلایل، دادگاه زوج را ملزم به طلاق زوجه می‌کند. لذا این نوع طلاق، به طلاق قضایی مشهور است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۹۵)

ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی به زن حق درخواست طلاق از محکمه را داده است. این ماده بدون تقیید به شرط یا حالت خاص، معیار «عسر و حرج» را به عنوان راهکاری برای رهایی زن از علقه ی زوجیت قرار داده است. مطالعه عسر و حرج در طلاق به درخواست زوجه در نظام حقوقی ایران مبین آن است که علی‌رغم پیش‌بینی برخی از موارد عسر و حرج در قوانین مصوب، کلی‌گویی این موارد در متن قوانین و اختلاف سلیقه‌ها در تفسیر آن‌ها عملاً منجر به تشتت آراء در محاکم قضایی و در نتیجه سرگردانی زنان در دادگاه‌ها شده است. لذا در خصوص شناخت موارد عسر و حرج با خلأ و اشکال قانونی مواجه هستیم. (امامی، ۱۳۹۱: ۴۶)

پراکندگی قوانین، عام بودن قانون در بیان موارد عسر و حرج، سلیقه‌ای عمل کردن قضات در تفسیر موارد عسر و حرج و هم‌چنین فقدان رویه قضایی در رابطه با تشخیص موارد عسر و حرج از مهم‌ترین ضعف‌ها و خلأهای قانونی راجع به مسئله طلاق به درخواست زوجه به دلیل عسر و حرج می‌باشد. لذا بررسی دقیق ارکان و شرایط ایجاد عسر و حرج و هم‌چنین کاربرد آن در طلاق به درخواست زوجه امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. (اکبری، ۱۳۹۹: ۳۸)

از آن‌جا که همیشه نسبت به مسائل مربوط به خانواده با حساسیت خاصی نگریده شده و نسبت به کوچکترین این مسائل از دیرباز مخالفین و موافقین زیادی وجود داشته، در این پژوهش سعی بر آن شده تا مسئله طلاق به درخواست زوجه به دلیل عسر و حرج، بررسی شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۴۸)

درخصوص موارد عسر و حرج در قوانین کلی‌گویی وجود دارد و این امر باعث شده تفاسیر متعددی از عسر و حرج زوجه در محاکم قضایی صورت بگیرد. بنابراین بررسی راه‌حلی‌هایی که می‌تواند در جهت تعیین دقیق موارد عسر و حرج مفید باشد، ضروری می‌نماید. (قابل، ۱۳۹۲: ۷۶)

چه بسا زوجه‌ای که می‌توانسته با اثبات تحقق عسر و حرج، خود را از زندگی با زوجی که موجب مشقت وی شده است، رهایی بخشد ولی به دلیل ناآگاهی از حق خویش، مجبور به ادامه زندگی مشترک مشقت‌بار

شده است. بنابراین مطالعه موجبات عسر و حرج زوجه و ویژگی‌های عسر و حرج، امری ضروری است. (محقق داماد، ۱۳۸۹: ۱۵)

از طرفی در زندگی شهری معضلاتی چون اعتیاد، حبس، بیماری‌های روحی و روانی و مشکلاتی از این دست رو به فزونی است و لزوم وجود قواعد خاص و قاطعی که معیار دقیقی در شناخت عسر و حرج ارائه دهد و حقوق زوجه را جبران کند، بیش از پیش احساس می‌شود. بنابراین لازم است مصادیق نوینی که در جامعه امروزی، ادامه‌ی زندگی مشترک را برای زوجه دشوار کرده است تحت قاعده‌ی نفی عسر و حرج بررسی شود و راهکار حقوقی جهت احقاق حقوق زوجه و رهایی او از زندگی مشترک مشقت بار ارائه گردد. (السان، ۱۳۸۵: ۳۳)

بدون شک در مباحث اصول و مبانی خانواده، تنها سخن از قواعد حقوقی نیست، بلکه آمیزه‌ای از حقوق و اخلاق مطرح است. در خانواده تا سر حد امکان باید اخلاق حکم فرما باشد و تنها در جایی که اختلافات بالا می‌گیرد قانون دخالت می‌کند (کریمی، ۱۳۹۲).

به عبارت دیگر، لزوم توجه به نهاد خانواده و ویژگی‌های خاص آن، این الزام را برای قانون‌گذاران جوامع مختلف به وجود آورده که تا حد امکان از گسسته شدن نهاد خانواده جلوگیری نموده و معضلات و مشکلات احتمالی را به بهترین وجه حل و فصل نماید (روشن، ۲۰۱۷).

در این باره اسلام نیز هدف از پیوند مقدس زناشویی را دریافت آرامش روحی زوجین و مایه مودت و رحمت می‌داند و برای زنی که از سرپرستی شوهر و برخورداری از امکانات زندگی محروم گردیده است و در عسر و حرج قرار گرفته است، حق شکوه و کسب تکلیف قائل شده است و حتی برای جلوگیری از مشکلات مختلفی که ممکن است پیش آید، احکام و مقرراتی را وضع نموده است.

در این میان قاعده عسر و حرج برگرفته از آیات قرآن و احادیث معصومین است که به عنوان یک اصل حاکم بر قواعد دیگر، راهگشای بسیاری از مشکلات موجود خصوصاً در حیطه مسائل خانواده می‌باشد (اسماعیلی، امینی اسدآبادی، خاکساری، ۱۳۹۸).

در این رابطه، برخی بر این عقیده اند که با توجه به مفاد ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی که می‌گوید شوهر هر زمانی که بخواهد می‌تواند همسر خود را طلاق بدهد، راه فرار از چنین وضعیتی یعنی زندگی حرجی برای مرد هموار است و هر زمان که بخواهد می‌تواند زوجه را طلاق دهد ولیکن آنچه قابل بررسی می‌باشد، عسر و حرجی است که زن در ادامه می‌زندگی مشترک با همسر خود دچار آن می‌گردد و ناچار است جهت اثبات آن، با طرح دعوا به قانون پناه برد؛ زیرا در تقاضای طلاق برای زنان، محدودیت‌های قانونی بیشتری وجود دارد (کانطوری، موسوی بجنوردی و شفیعی، ۱۳۹۵).

هرگاه، ادامه زندگی زناشویی، زوجه را در وضعیت عسر و حرج قرار دهد، می‌تواند با مراجعه به حاکم و اثبات این عسر و حرج درخواست طلاق نماید، دادگاه با احراز این امر زوج را ملزم به طلاق می‌کند و در غیر

این صورت با عنایت به قاعده، " الحاکم ولی الممتنع " به وکالت از زوج، زوجه را طلاق می دهد. (امینی، ۱۳۹۸: ۶۳)

با توجه به اهمیت موضوع این تحقیق، درصدد آن هستیم که این پژوهش را با هدف بررسی تطبیقی عسر و حرج زوجه در حقوق ایران و انگلیس انجام دهیم تا ضمن بررسی عسر و حرج در حقوق داخلی ایران، به فراخور مطالب به مقررات مربوطه در حقوق بین المللی موجود نیز اشاره شود و به واکاوی و مقایسه تطبیقی قوانین بین المللی مرتبط با آن در دیگر کشورها نیز بپردازیم.

### تعاریف عسر و حرج در قانون مدنی

در قانون مدنی، نخستین بار ماده ۱۱۳۰ اصلاحی آزمایشی مصوب ۶۱/۱۰/۸ واژه مرکب عسر و حرج بودن ارائه تعریف حقوقی به کار رفته است:

«در مورد زیر، زن می تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق نماید. در صورتی که برای محاکمه ثابت شود که دوام زوجیت موجب عسر و حرج است، می تواند برای جلوگیری از ضرر و حرج شوهر را اجبار به طلاق نماید و در صورت میسر نشدن به اذن حاکم شرع طلاق داده می شود.»

در اطلاعیه ۷۰/۸/۱۴ ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی نیز واژه عسر و حرج، بدون اینکه تعرضی از آن به عمل آید، عیناً مانند ماده آزمایشی ۱۱۳۵ مصوب ۶۱/۱۰/۸ مورد لحاظ قانونگذار واقع شده است.

در قانون مدنی، قانونگذار در مواد ۷۰۱ و ۷۲۹ یعنی در مباحث ضمان عقد و حواله از مشتقات واژه «عسر» استفاده نموده است:

ماده ۷۰۱ قانون مدنی: «ضمان عقدی است لازم و ضامن یا مضمون له نمی تواند آنرا فسخ کند، مگر در صورت اعسار ضامن به طوری که در ماده ۶۹۰ مقرر است یا در صورت بودن حق فسخ نسبت بدین مضمون له و یا در صورت تخلف از مقررات عقد.»

ماده ۷۲۹ قانون مدنی: «هرگاه در وقت حواله محال علیه معسر بوده و محال جاهل به اعسار او باشد، محال می تواند حواله را فسخ و به محیل رجوع کند.»

قانونگذار در تبصره الحاقی، عسر و حرج را بدین صورت تعریف کرده است:

«به وجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد» این تعریف از عسر و حرج به نظر بعضی از حقوقدانان قابل انتقاد به نظر می رسد؛ این تعریف از عسر و حرج قابل انتقاد به نظر می رسد؛ زیرا عسر و حرج در لغت به معنای ضیق، مشقت، سختی و دشواری می باشد (انوری، ۱۳۸۱: ۵۰۱۹).

تعریف مذکور در تبصره الحاقی منطبق بر معنای عسر و حرج است. عسر و حرجی که رافع تکلیف باشد، صرف مشقت و سختی نیست؛ چرا که در این صورت، بسیاری از تکالیف شرعی یا قانونی برداشته خواهد شد. زیرا تکالیف غالباً با مشقت و سختی همراه هستند. به همین دلیل، فقها وقتی از عسر و حرج بحث

می‌کنند، هر کدام قیدی را نیز به آن ملحق می‌نمایند (مانند: حرج فاحش، حرج شدید، حرج شدیدی که تحمل آن عمدتاً سخت است و عسر و حرج غیر قابل تحمل) (قربانی، ۱۳۹۴: ۱۵۴).

بنابراین هر مشقت و سختی که در تعریف ماده ۱۱۳۰ ق.م.آ.م آمده است، رافع تکلیف نمی‌باشد؛ بلکه باید به قیودی نظیر «غیر قابل تحمل» و ... مقید شود. زیرا همانطور که مجبور کردن زن به تحمل سختی‌های زیاد نادرست است، دادن مجوز انحلال نکاح با اندک بهانه‌ای نیز صحیح نمی‌باشد (رفسنجانی مقدم، ۱۳۹۴: ۱۸). انتقاد بر تعریف عسر و حرج وارد نیست؛ زیرا مسئله «غیر قابل تحمل» و یا «شدید» بودن مشقت آنچنان بدیهی است که قانونگذار ذکر آن را لازم ندانسته است و مسلم است هر مشقتی نمی‌تواند دلیلی باشد تا زن به حاکم رجوع نموده و تقاضای طلاق نماید. در اینصورت حتی انجام امورات خانه مانند آشپزی همراه با مشقت می‌باشد. آیا زن می‌تواند با استناد به این نوع از مشقت‌ها برای طلاق به حاکم رجوع کند؟ (شریعتی و ولی حصار، ۱۳۹۶: ۱۴)

### تقسیم بندی عسر و حرج

عسر و حرج از جهت محل تأثیر به جسمی و روحی تقسیم می‌شود. با توجه به اطلاق عسر و حرج در تعریف مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، دلیلی وجود ندارد که ادله نفی حرج، شامل مشقت‌های روحی نشود؛ زیرا مطابق معنای لغوی «عسر» و «حرج»، هر دو با هم مورد نهی و نفی قرار گرفته‌اند و از این جهت فرقی بین این دو نمی‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۳۲).

یکی از حقوقدانان در این مورد چنین نظر داده است: کراهت و تنفر شدید زوجه از زوج می‌تواند یکی از مصادیق عسر و حرج باشد. گاهی زن از شوهر خود کراهت دارد؛ در حالی که اخلاق شوهر وی ملایم و به معروف رفتار می‌کند، در این گونه موارد دو راه برای زوجه وجود دارد: راه نخست آنکه از مقررات طلاق خلع استفاده کند. برای این کار، وی باید مالی را بذل کند تا شوهر به طلاق راضی شود. اما اگر شوهر به طلاق راضی نشود، مشهور فقهای امامیه، پذیرفتن خلع را بر زوج واجب نمی‌دانند. از قانون مدنی نیز همین مطلب معلوم می‌شود (اکبری جدی، ۱۳۹۴: ۴۷).

راه دوم، استفاده از ماده ۱۱۳۰ ق.م.آ.م است. هر گاه کراهت زوجه از زوج شدید باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، این مورد می‌تواند از مصادیق عسر و حرج باشد. البته این مورد از مصادیق عسر و حرج در ماده ۱۱۳۰ ق.م.آ.م ذکر نشده، ولی تعریفی که در قانون آمده، شامل آن نیز می‌شود. به همین جهت قانونگذار در عبارت پایانی این ماده تصریح کرده که موارد مذکور در این قانون از باب نمونه می‌باشد. بعضی از فقهای معاصر معتقدند کراهت شدید زوجه از مصادیق عسر و حرج می‌باشد. این فتوا از پرسش و پاسخ فقهی ذیل به دست می‌آید:

سؤال: «زنی که از شوهر خود کراهت شدید دارد و مهریه خود را می‌بخشد تا طلاق خلع جاری شود، ولی شوهر حتی به مازاد بر مهر قبول نمی‌کند؛ تکلیف چیست؟»

پاسخ: «در صورتی که ثابت شود ادامه زندگی برای زن همراه با عسر و حرج شدید است حاکم می‌تواند طلاق خلعی مزبور را انجام دهد؛ اگر چه شوهر راضی نباشد». در مورد راه نخست، «یعنی انجام طلاق خلع»، نظر مطرح شده صحیح و قانونی است. اما در مورد راه دوم «یعنی رجوع به ماده ۱۱۳۰ ق.م و استناد به قاعده عسر و حرج»؛ به نظر ما باید بین موردی که رفتار و اعمال نامناسب زوج سبب کراهت و آسیب روحی زوجه شده است؛ با حالتی که اخلاق شوهر ملایم بوده و به معروف رفتار می‌کند. اما زوجه به دلایل دیگری از زوج کراهت دارد، قائل به تفکیک شد (عرب نظرگاه، ۱۳۹۷: ۳۴).

حالت اول: اگر رفتار و اعمال نادرست و نامناسب زوج سبب کراهت و آسیب روحی زوجه شده است. مسلماً او می‌تواند با استناد به قاعده عسر و حرج (ماده ۱۱۳۰ ق.م) برای طلاق به حاکم رجوع نماید. حالت دوم: اخلاق شوهر ملایم بوده و به معروف رفتار می‌کند، اما زوجه به دلایل دیگری از زوج کراهت دارد؛ مثلاً زوجه دل در گرو مرد دیگری بسته و اکنون خوشبختی خود را در کنار همسر فعلی خود نمی‌بیند و به این دلیل از همسر خود کراهت دارد؛ آیا در این حالت می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع نموده و به قاعده عسر و حرج (ماده ۱۱۳۰ ق.م) استناد نماید؟! با توجه به قوانین فعلی پاسخ به این سؤال منفی است. زیرا سبب کراهت و آسیب روحی زوجه مرد نبوده است. در حالی که با توجه به بندهای تبصره ماده ۱۱۳۰ ق.م چنین استنباط می‌شود که زوج باید سبب عسر و حرج زوجه شود. تا زوجه حق رجوع به حاکم برای طلاق داشته باشد (خسروی، ۱۳۹۴: ۵۲).

از طرف دیگر وقتی در چنین حالتی با توجه به نظر مشهور فقهای امامیه و قانون مدنی نمی‌توان زوج را مجبور به طلاق خلع نمود؛ چگونه می‌توان جواز طلاق اجباری را با استناد به قاعده عسر و حرج توجیه نمود؛ نقص قوانین در این زمینه را نباید با تفسیرهای نادرست از مواد قانونی جبران نمود بلکه باید از راه قانون گذاری برطرف شود (قربانی، ۱۳۹۴: ۱۰۴).

#### تعاریف عسر و حرج در متون فقه

#### تعریف عسر و حرج در قرآن کریم

قرآن کریم آیات متعددی در خصوص عسر و حرج نازل شده است که از آن جمله اند:

۱- «و ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج...»<sup>۴</sup>

۲- «و یرید الله بکم السیر و لایرید العسر»<sup>۵</sup>

۳- «لا تکلیف الله نفسا الا و سعه...»<sup>۶</sup>

۴- «لا تکلف نفسا الا و سعه»<sup>۷</sup>

<sup>۴</sup>(مائده-آیه ۶)

<sup>۵</sup>(بقره-آیه ۱۸۵)

<sup>۶</sup>(بقره-آیه ۲۸۵)

<sup>۷</sup>(بقره-آیه ۲۳۳)

۵- «لا تكلف نفسا ألّا وسعها»<sup>۸</sup>

۶- «وجاهدوا فی الله حق جهاده هوا جنبکم و ما جعل علیکم فی الدین من حرج...»<sup>۹</sup>

۷- «والذین آمنوا و عملوا الصالحات لا تکلف نفسا ألّا وسعا...»<sup>۱۰</sup>

در آیه ۱۸۵ سوره مبارک بقره که بخشی از آن به قاعده عسر و حرج مربوط است آمده است:

«شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن هد للناس و بینات من الهدی و الفرقان فمن شهر منکم الشهر قلیصمه و من کان مریضا او علی سفر فعد من ایام اخریدید الله بکم السیر و لایرید بکم العسر و لتکلمو العده و لتکبر و الله علی ما هدیکم و لعلکم تشکرون.»

ترجمه آیات چنین است:

«ماه رمضان است که قرآن به عنوان راهنمایی مردم و نشانه های هدایت و فرق میان حق و باطل در آن نازل شده، پس آن کس که در ماه رمضان در حضر باشد روزه بدارد و آن کس که بیمار یا در سفر باشد روزهای دیگری را، خداوند راحتی شما را می خواهد نه زحمت، و شما باید این روزه ها را به انجام برسانید و خدا را بر اینکه شما را هدایت کرده بزرگ بشمرید که شکرگذاری کنید.» (اکبری، ۱۳۹۹: ۲۰۴)

در تفسیر قسمتی از آیه که به عسر و حرج اشاره دارد، آیه الله ناصر مکارم شیرازی آورده است:

«یرید الله بکم السیر و لا یرید بکم العسر»؛ خداوند مانند فرمانروایان ستمگر نیست تا خواسته هایش به طور حتم و به هر وصفی که باشد انجام بگیرد، نه، بلکه در مواردی که در بندگان انجام وظیفه مشقت داشته باشد وظیفه آسانتری برای آنها قرار می دهند لذا می فرماید: «یرید الله بکم السیر و لا یرید بکم العسر» خداوند می خواهد بر شما آسان بگیرد و نمی خواهد بر شما سخت گیری کند، بعلاوه اصولاً روزه داشتن گرچه در ظاهر یک نوع سخت گیری و محدودیت است، اما سر انجام آسایش و راحتی است. تکرار حکم مسافر و بیمار در این آیه و آیه قبل ممکن است از این نظر باشد که بعضی به گمان اینکه افطار روزه، کار خوبی نیست، به هنگام بیماری و سفر از افطار خودداری کنند و لذا قرآن با تکرار این حکم می خواهد بفهماند همانطور که انجام روزه برای افراد سالم یک دستور الهی است، افطار هم برای بیماران و مسافران یک فرمان الهی است و مخالفت با آن گناه لاجرح در مسائل و احکام (عبادات) نیز بر اساس آیه شریفه کاربرد وسیعی دارد.

از جمله آیه ۷۸ سوره حج: «ما جهل علیکم فی الدین من حرج» که تفسیر کاربردی «علم الهدی» در الانتصار «در حکم» مضمضه فی الصوم برای نمونه نقل می شود: «... و الحججه فی مذهبنا: الاجماع المنکر و یمکن ان نتلق فی ذلک بوله تعالی: «ما جعل علیکم فی الدین من حرج» و کل الحراج ان یامرنا بالمضمضه والا ستخشا ق فی الصوم و یلزمنا القضاء اذا سبق الماء الی اجوافنا من غیر العتماد. ولا یلزم علی ذلک التبرد با لمضمضه: لان ذلک مکروه فی الصوم و الامتناع منه اولی، صلا حرج علیه فی: بدین معنی که در مذهب شیعه،

<sup>۸</sup>(انعام- آیه ۱۵۳)

<sup>۹</sup>(حج- آیه ۷۸)

<sup>۱۰</sup>(اعراف - آیه ۴۲)

اجماع مکرر بر اساس آیه شریفه «ما جهل علیکم فی الدین من حرج» وارد شده است که بر اساس آن هر حرجی که برای روزه گذار در هنگام استنشاق وارد شود، غیر قابل اعتماد بوده و روزه گذار نباید به آن اعتنا کند و حکم «لا حرج» حتی در مواردی که روزه حکم بر «کراهت» است وارد می شود و بنابراین قاعده لا حرج متضمن برداشتن سختی و مشقت بر روزه گذار است.» (اصفهانی، ۱۳۹۳: ۶۹)

این تفسیر از آیه شریفه مورد قبول فقهاست. در این خصوص استاد سید مصطفی محقق داماد آورده است: «مدلول قاعده لا حرج که مستند اصلی آن آیه ۷۸ سوره ی حج می باشد آن است که هر گاه حکمی از احکام اولیه شرع مقدس برای فردی ایجاد مشقت و سختی زیاد و غیر قابل تحمل نماید، آن حکم رفع می گردد.» بنابراین در قرآن کریم قاعده «لا حرج» و یا نفی «عسر و حرج» به معنی این است که هر گونه مشقت و سختی در انجام تکالیف اعم از عبادات، معاملات و غیر آن از مکلف برداشته شده است و هر تکلیف بر اساس توانایی و درجه تحمل است. مکلف لازم الاجرا است و بدین ترتیب حکم «لا حرج» در یقین اعتبار و حدود اجرای سایر تکالیف و ارزشی «عمل به تکالیف» صرفاً محدود به خصوص نمی باشد و از عنصر «وسع» و توانایی مکلف تبعیت می کند. (اسدی، ۱۳۹۴)

#### عسر و حرج در روایات و احادیث

احادیث و روایات وارده بر عسر و حرج دوگونه است:

۱- دسته اول در خصوص انجام تکالیف مکلف شرایط عامه را بیان کرده و ضمن بر شمردن آنها به درجه و تحمل و توانایی مکلف اشاره شده است و بدین ترتیب مکلف را از انجام عمل «شاق» و «سخت» بر حذر داشته است. چنین روایاتی در همه ابواب فقه وجود دارد:

۱-۲- « حمزه طیار گوید امام صادق (ع) به من فرمود... سپس اما صادق فرمود: همین طور در هر چیزی که تامل کنی کسی را در تنگنای نبینی و کسی را بتابی جز آنکه خدا بر او محبت دارد و خدا در او درخواستی دارد و نمی گوید که بشر هر چه خواهد تواند کرد.

سپس فرمود: به راستی خدا هم تواند گناه و هم گمراهی فراهم سازد، فرمود دستور ندارد جز کمتر از آنچه توانند، هر چه به مردم امر شده در خور طاقت و توان آنهاست، هر چه را نتوانند از آنها برداشته آیه را تلاوت کرد.

بر ناتوانان و بیماران و بر کسانی که هزینه سفر ندارند باکی نیست. جهاد را از آنها برداشت، بر خوش کرداران راه سختی نیست، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. و باز هم باکی نیست بر کسانی چون نزد تو آیند تا آنها را بسیج کنی و وسایل جهاد به آنها بدهی (بگویی بودجه نیست و با چشم گریان برگردند) فرمود: « از آنها هم جهاد را برداشت زیرا هزینه نداشتند.»

۲-۲- عمر بن مروان باز گفته است که شنیدم «امام صادق (ع) می فرمود: رسول خدا (ص) فرموده است: از امت من ۴ خصلت برداشته شده است: ۱- خطا ۲- فراموشی ۳- آنچه به روز بر آن وارد شوند ۴- آنچه تاب آن را ندارند و این معنی قول خدا عزوجل است.



پروردگارا از ما مواخذه مکن اگر فراموش کردیم یا خطا کردیم و بار تکلیف های سنگین به دوش ما مگذار چنانچه به دوش آنها که پیش از ما بودند گزاردی، پروردگارا به ما تحمیل کن آنچه تاب آن را نداریم و هم قول خدا (آیه ۱۰۶ سوره نحل): کسی که پس از ایمانش به کفر گراید؟ جز کسی که به زور وادار شود و دلش مطمئن به ایمان است.»

۲- دسته دوم روایات وارده و احادیث منقول به طور صریح به قاعده لاجرح و نفی «عسر و حرج» اشاره دارند:

۲-۱- (روایت عبدالاعلی مولى آل سام (قال: قلت لا بی عبدالله (ع) عسرت فانقطع ظفری فجعلت علی اصبعی مراره فكيف اصنع بالوضو؟ قال(ع) یصرف هذا و اشباهه من كتاب الله، عزوجل قال الله عزوجل و ما جعل علیکم فی الدین من حرج، امسح علیه)

عبدالاعلی مولى آل سام گفت: به ابی عبدالله گفتیم زمانی که انگشت زخم شود و دچار رنج و درد شوم چگونه وضو بگیریم؟ فرمود: حکم این مورد و نظیر آن در کتاب خدا آمده است و آن این است که خداوند در این حرج و مشقت قرار نداده است و در چنین مواردی بجای وضو باید روی انگشت مسح نماید.

۲-۲- قوله(ع): بعث علی ال شریه الصمحه السهله: ابا جعفر هم چنین فرمود که پیغمبر فرمود (من بر شریعت آسان و قابل تحمل مبعوث شده ام). (ارجمند دانش، ۱۳۸۹: ۵۲۴)

### طلاق به دلیل عسر و حرج زن

عسر و حرج در مورد زندگی زناشویی میان زوجین نیز مصداق می یابد که بر اساس آن، اگر زن در طول زندگی مشترکی که با همسر خودش دارد دچار رنج و سختی قابل توجهی شود به نحوی که ادامه زندگی مشترک برای او امکان پذیر نبوده و یا اینکه به لحاظ عقلی ادامه زندگی مشترک ضرر و زیان قابل ملاحظه ای را برای او ایجاد کند، حق دارد که از همسر خود طلاق بگیرد که به این نوع طلاق، طلاق عسر و حرج یا طلاق بر مبنای عسر و حرج زوجه نیز گفته می شود. (احمدیه و جعفرپور، ۱۳۸۱: ۱۷۵)

احکام و قواعد ویژه این نوع طلاق، به همراه شرایط قانونی آن در قانون مدنی نیز به تبعیت از فقه اسلامی مورد پیش بینی قرار گرفته است که در سال های اخیر حمایت های قانونی برای برخورداری زنان از این حق نیز انجام گرفته است. البته از آن جهت که طلاق عسر و حرج برای زنان خلاف قاعده و استثناء بر طلاق از طرف مرد می باشد، منوط به وجود شرایطی است که تنها در صورت وجود شرایط طلاق عسر و حرج و اثبات آنها در دادگاه می توان برای طلاق اقدام نمود (مطهری، ۱۳۸۶: ۸۹)

اولاً؛ عسر و حرج زن در ازدواج زمانی محقق می شود که ادامه رابطه زوجیت برای زن دشوار بوده و مشقت و دشواری غیر متعارفی را برای زوجه ایجاد کند. ثانیاً؛ در صورتی که زن دچار وضعیت عسر و حرج شود می تواند به دادگاه خانواده مراجعه کند و دادخواست طلاق بر اساس عسر و حرج بدهد. در صورت نداشتن سند ازدواج برای طلاق می توان به دفترخانه ازدواج و طلاق مراجعه کرده و رونوشت آن را دریافت نمود. ثالثاً؛ در صورتی که قاضی دادگاه عسر و حرج و به مشقت افتادن زن در طول زندگی مشترک را احراز کند،

می تواند حکم طلاق بر مبنای عسر و حرج زن را صادر کند تا بتواند با طی تشریفات طلاق، از همسرش جدا شود. رابعا؛ در طلاق بر اساس عسر و حرج زن نیازی نیست که حتما مرد راضی به طلاق دادن زن باشد و در صورتی که مرد از طلاق دادن همسر خود امتناع نماید؛ زوجه با حکمی که قاضی دادگاه صادر می کند طلاق داده می شود (دیانی، ۱۳۹۷: ۱۳۴)

#### محدوده قاعده عسر و حرج

هر مشقت و ضرری عسر و حرج به شمار نمی آید، چه مطلق مشقت در بسیاری از تکالیف وجود دارد. پس عسر و حرج عبارت از ضرر و مشقت شدید یا فاحش است که عادتاً قابل تحمل نیست. (السان، ۱۳۸۵: ۱۸)

مرحوم ملا احمد نراقی در این خصوص می فرماید:

بسیاری از تکالیف بالطبع با مقداری سختی و مشقت همراهند، آنچه نفی گردیده است، عسر و حرج مازاد بر سختی و مشقت طبیعی تکلیف است و ملاک آن طاقت متوسط مردم در حالت متعارف و عادی است. یعنی در حالتی که مبرا از مرض و عذر باشد. با این وصف مرجع تعیین معنای عسر و حرج عرف است. (امینی، ۱۳۹۸: ۹۶)

آیا نشوز زوج بدون آنکه موجب عسر و حرج زن باشد، می تواند مجوز اعمال ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی باشد؟ در تبیین سوال فوق باید گفت که نشوز زوج و عسر و حرج زوجه همیشه ملازم هم نیستند. بنابراین ممکن است که با وجود نشوز زوج، زوجه در تنگنا و مضیقه قرار نگیرد. به عنوان مثال ممکن است، مردی نفقه ندهد؛ ولی نیازهای مالی زن توسط فرد دیگری تأمین شود، یا زن خود دارای توان مالی باشد. بنابراین بین نشوز زوج و عسر و حرج زوجه رابطه عموم و خصوص من وجه برقرار است. پس نباید این دو اصطلاح را مترادف پنداشت. (صابری صفایی، ۱۳۹۶: ۸۹)

#### موارد و مصادیق طلاق بر مبنای عسر و حرج زن

اختلاف سلیقه ها در تشخیص عسر و حرج و مسکوت ماندن ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی موجب شد مقنن در فکر چاره به تصویب طرح الحاق یک تبصره به ماده ۱۱۳۰ روی آورد. این تبصره در نهایت در ۸۱/۴/۲۹ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. این تبصره در بیان تمثیلی از عسر و حرج چنین مقرر می دارد:

«یک تبصره به شرح ذیل به ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی الحاق می گردد. (اکبری، ۱۳۹۹: ۴۵)

در تبصره ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی برخی از مهم ترین مواردی که عسر و حرج زن تلقی می شوند و دادگاه با استناد به آنها می تواند حکم طلاق زوجه با عسر و حرج را صادر نماید مورد اشاره قرار گرفته است؛ با این حال این موارد حصری نیستند. به این معنا که هر علت و دلیل دیگری که زن را با سختی غیر متعارف در زندگی زناشویی مواجه کند می تواند علت و دلیل طلاق زن بر مبنای عسر و حرج محسوب شود. به عنوان مثال طلاق به علت عقیم بودن مرد یکی از نمونه های طلاق به دلیل عسر و حرج زن محسوب می شود. ۱ - ترک زندگی خانوادگی توسط زوج؛ حداقل به مدت شش ماه متوالی و یا نه ماه متناوب در مدت یک سال بدون عذر موجه. ۲ - اعتیاد زوج به یکی از انواع مواد مخدر و یا ابتلای وی به مشروبات الکلی که به

اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و امتناع یا عدم امکان الزام وی به ترک آن در مدتی که به تشخیص پزشک برای ترک اعتیاد لازم بوده است. در صورتی که زوج به تعهد خود عمل ننماید و یا پس از ترک، مجدداً به مصرف موارد مذکور روی آورد، بنا به درخواست زوجه، طلاق انجام خواهد شد. و امکان سلب حضانت از پدر به دلیل اعتیاد نیز وجود خواهد داشت. ۳ - محکومیت قطعی زوج به حبس پنج سال یا بیشتر. ۴ - ضرب و شتم یا هرگونه سوء رفتار مستمر زوج که عرفاً باتوجه به وضعیت زوجه قابل تحمل نباشد. کتک زدن زن علاوه بر اینکه ممکن است پیامدهای کیفی برای مرد به همراه داشته باشد، یکی از موارد شایعی است که به زن اختیار طلاق به دلیل عسر و حرج را خواهد داد و امکان شکایت از مرد در دادسرا نیز وجود خواهد داشت. ۵ - ابتلای زوج به بیماری‌های صعب‌العلاج روانی یا ساری یا هر عارضه صعب‌العلاج دیگری که زندگی مشترک را مختل نماید موارد مندرج در این قانون مانع از آن نیست که دادگاه در سایر مواردی که عسر و حرج زن در دادگاه احراز شود حکم طلاق صادر نماید. (موسوی خوشدل، ۱۳۹۴: ۶۳)

علاوه بر این که دادگاه‌ها این حق را خواهند داشت که هر کاری که انجام دادنش برای زوجه سخت و شاق و عادتاً غیرقابل تحمل باشد را از مصادیق عسر و حرج داشته و او را مطلقه نمایند در مجموع اهم مصادیق عسر و حرج را ناشی از سه عامل می‌توان دانست: عوامل طبیعی یا حقیقی، عوامل خارجی و واقعی و عوامل شخصی (شهریاری، ۱۳۹۵: ۴۶۵).

### قوانین طلاق در انگلستان

کشور انگلستان به عنوان یکی از کشورهای متمدن، با توجه به اینکه خاستگاه حقوق کامن‌لا بوده، در زمینه‌ی تنظیم قوانین خانواده، مخصوصاً طلاق پیشگام بوده است و در این زمینه قوانین منسجمی را دارا می‌باشد. (قاسم زاده، ۱۳۸۴: ۳۳)

طلاق در قوانین انگلستان، مانند قوانین ایران و رویه‌ی دادرسی، متضمن رعایت قواعد دادرسی و تقدیم دادخواست برای شروع جریان طلاق می‌باشد. با توجه به اینکه قوانین مربوط به خانواده و طلاق در هر کشوری مطابق با فرهنگ و عرف آن کشور تنظیم شده است، این طبیعی است که در زمینه‌ی قوانین مربوط به طلاق، نظام حقوقی هر کشور با کشور دیگر متفاوت باشد. قوانین طلاق در انگلستان با قوانین طلاق در ایران، به صورت کلی و حتی در رویه‌ی قضایی و دادرسی متفاوت است. (عظیم زاده، ۱۳۹۶: ۱۴)

از جهتی دیگر اهمیت شناخت قوانین طلاق در انگلستان از آنجایی ناشی می‌شود که بسیاری از ایرانیان مقیم در کشور انگلستان، ممکن است بخواهند به خاطر وجود اختلاف خانوادگی، دادخواست طلاق خود را در دادگاه انگلستان مطرح کنند و بر اساس قوانین طلاق در انگلستان نسبت به آنها حکم صادر شود، به همین

دلیل شناخت قوانین طلاق در انگلستان و مراحل وقوع طلاق در انگلستان برای اتباع ایرانی که می خواهند از طریق قوانین انگلستان اقدام به طلاق کنند، ضرورت بسیار پیدا می کند. (کریمی نیا، ۱۳۸۸: ۷۸)

### ۳-۲-۱-۲- زمین‌های لازم برای اقدام جهت طلاق در انگلستان

با توجه به اینکه ایالات متعددی تحت حکومت کشور انگلستان هستند؛ ولی در این زمینه کشورهای اسکاتلند و ایرلند شمالی، با کشور انگلستان در زمینه طلاق متفاوت هستند. در مورد اتباع ایرانی مقیم در انگلستان با توجه به قانون ایران، رسیدگی به موارد مرتبط با احوال شخصیه و طلاق، مطابق با قوانین ایران خواهد بود؛ ولی این موضوع، قاضی رسیدگی کننده ی انگلستان به درخواست طلاق اتباع ایرانی را، مکلف به رسیدگی به طلاق اتباع ایرانی مطابق با قوانین طلاق در ایران نمی کند و بنابراین آن را مطابق با قوانین طلاق در انگلستان بررسی می کند. به همین خاطر شرایط لازم برای رسیدگی به درخواست طلاق، مطابق با قوانین طلاق در انگلستان به شرح ذیل می باشد:

- در ابتدا، برای ارائه ی درخواست طلاق (از طرف اتباع ایرانی) باید رابطه ی اولیه ی آنها بر اساس ازدواج بوده و به ثبت رسیده باشد و نه بر اساس روابط آزاد بوده باشد.

- ازدواج آنها مطابق با قانون انگلستان ثبت و تایید شده و در مورد اتباع ایرانی هم سند رسمی ازدواج آنها که در ایران ثبت شده، به تایید کنسول گری رسیده باشد. اگر اتباع ایرانی در انگلستان ازدواج کرده باشند، ازدواج آنها به تایید دولت انگلستان برسد.

(۱) از مدت ازدواج آنها حداقل یک سال سپری شده باشد.

(۲) رابطه ی عاطفی و ازدواج زن و شوهر در حال فروپاشی و شکست است و این نیاز به اثبات آن دارد. (محلاتی، ۱۳۸۷: ۵۹)

این شرایط برای اتباع ایرانی هم قابل اجرا خواهد بود.

### انواع طلاق مطابق با قوانین انگلستان

به طور کلی، برای خاتمه دادن به رابطه ی عاطفی زوجین و اتمام آن، سه طریق وجود دارد:

**جدایی؛** در این مورد هرگاه یکی از طرفین خواهان جدایی نباشد، می تواند بدون اینکه درخواست طلاق و به نوعی به ازدواج خاتمه دهد، از شریک زندگی خود جدا شود و به صورت جداگانه زندگی کند.

(۲) **به صورت توافقی،** در این مورد طرفین هرگاه در زمینه ی نگهداری و حضانت فرزندان و مخارج آنها، اموال و مالکیت و دلایلی که موجب طلاق می شود، توافق کنند، معمولاً این اجازه در این زمینه به آنها داده می شود که بدون جلسه ی رسیدگی و استماع دادخواست طلاق آنها، حکم به طلاق صادر شود.

بنابراین در زمان صدور حکم طلاق و اثبات زمینه های آن، دادگاه حضانت فرزندان و تکلیف اموالی که زوجین در مدت زوجیت به دست آورده اند را مشخص می کند، مگر اینکه در این مورد توافق کنند. (مطهری،

۱۳۸۶: ۱۴)

زمینه های لازم برای پذیرش درخواست طلاق در دادگاه خانواده انگلستان

بر اساس قوانین طلاق در انگلستان، برای اینکه ازدواج و زندگی مشترک طرفین به پایان برسد، باید زمینه های آن مستعد باشد. هرگاه یکی از طرفین بخواهد دادخواست طلاق بدهد، باید یکی یا چند مورد از زمینه ها را به اثبات برساند:

(۱) خیانت: هر کدام از زوجین، رابطه ی جنسی با شخص دیگری داشته باشند.  
 (۲) رفتارهای غیر منطقی: هرگاه خانم یا مرد، مرتکب رفتارهایی شود که نمی توان به صورت منطقی از طرف دیگر برای ادامه ی زندگی با شخص، انتظار داشت و زندگی با طرف دیگر را غیر قابل تحمل می کند. این رفتارها شامل:

خشونت فیزیکی و ضرب و شتم

سو معاشرت، به صورت توهین و تهدید

اعتیاد یکی از طرفین به الکل یا استعمال مواد مخدر

خودداری از پرداخت نفقه

(۳) ترک زندگی مشترک؛ زمانی که خانم یا مرد، اقدام به ترک زندگی مشترک از زمانی که شش ماه با یکدیگر زندگی کرده باشند، سپری شده و شامل موارد ذیل می شود:

بدون توافق

بدون دلیل موجه

خاتمه دادن به روابط

بیشتر از دو سال ترک صورت گرفته باشد.

(۴) زمانی که طرفین برای بیشتر از دو سال از جدا شده باشند:

اگر از هم طرفین برای بیشتر از دو سال جدا شده باشند و همدیگر را ترک کرده باشند و هر دو برای طلاق توافق داشته باشند، می توانند درخواست طلاق بدهند.

(۵) زمانی که طرفین برای حداقل پنج سال از یکدیگر جدا شده باشند:

اگر طرفین برای حداقل پنج سال از یکدیگر جدا شده باشند و حتی اگر زن یا مرد و یکی از طرفین برای طلاق موافق نباشد، می توان درخواست طلاق داد. (عرفانی، ۱۳۸۹)

### مقایسه عسر و حرج در حقوق ایران و انگلیس

در حقوق انگلیس، قانون لازم الاجرا در مورد طلاق قانون دعاوی خانوادگی ۱۹۷۳ است. در این قانون هر یک از زن و مرد به طور یکسان از حق طلاق برخوردارند. آنان با اثبات شکست غیرقابل جبران ازدواج میتوانند حکم طلاق را از دادگاه تحصیل کنند.

در حقوق انگلیس تنها همین یک موجب برای دعوی طلاق به رسمیت شناخته شده است. (بند ۱ قانون دعاوی خانوادگی ۱۹۷۳).

الف) در حقوق ایران به تبع فقه اسلامی طلاق اصولاً حق مرد است و زن از موقعیت حقوقی برابر با مرد برخوردار نیست. البته تحت تأثیر نظام حقوق بشر و فشار افکار عمومی و مطالبات زنان، برای زن نیز این امکان فراهم شده است تا در اوضاع و احوال خاصی بتواند از دادگاه تقاضای طلاق کند و دادگاه نیز با فراهم بودن موجبات مربوط مرد را به انشاء طلاق الزام و در صورت استنکاف وی از باب ولایت حاکم بر ممتنع خود صیغه طالق را جاری سازد. اما در حقوق انگلیس زن و مرد از موقعیت حقوقی برابر برخوردار بوده و هریک به تساوی میتوانند از دادگاه تقاضای طلاق کنند.

ب) در حقوق ایران مرد بدون هیچ دلیل یا توجیهی میتواند زن خود را در هر وقت به دلخواه خود طلاق دهد. گرچه اعمال این حق بعداً منوط به رعایت شرایطی شد که همگی جنبه شکلی و صوری دارند اما زن فقط در صورتی که موجبات مصرح در قانون فراهم باشد میتواند از دادگاه درخواست طلاق بنماید. در حقوق انگلیس مرد نیز هرگاه متقاضی طلاق باشد باید مانند زن شکست غیرقابل جبران زندگی مشترک را از همان طریقی که ذکر شد اثبات کند.

ج) در حقوق انگلیس طلاق به طلاق مبتنی بر تقصیر و طلاق بدون تقصیر تقسیم شده است در حالی که در حقوق ایران اثری از این تقسیم به چشم نمی خورد. اما تفاوت تقاضای طلاق مرد و طلاق زن در سیستم ایران اجازه میدهد که حقوق ایران را در این باب به طور نسبی به حقوق انگلیس تشبیه کنیم. زیرا؛ در حقوق ایران زن برای تحصیل حکم طلاق غالباً و نه دائماً باید تقصیر و خطای مرد را اثبات کند و لیکن مرد بدون نیاز به اثبات تقصیر همواره میتواند دعوای خود را به کرسی بنشاند.

ه) در انگلیس تقاضای طلاق در طول یک سال نخست زندگی پذیرفته نمی شود، اما در حقوق ایران چنین محدودیتی وجود ندارد. (پيله ور، ۱۳۹۶: ۸۹)

مقررات دو سیستم حقوقی ایران و انگلیس در زمینه مفهوم و مختصات طلاق را میتوان به شرح زیر مقایسه کرد:

الف) مفهوم طلاق در دو سیستم حقوقی تقریباً به یک معناست: پایان دادن به رابطه زناشویی

ب) در نظام حقوقی ایران، ماهیت طلاق ایقاع است که به اراده مرد واقع می شود و مداخله دادگاه نقشی در شکل گیری ارکان و ماهیت طلاق ندارد ولی در حقوق انگلیس، حکم طلاق توسط دادگاه صادر شده و پس از حکم دادگاه نیاز به عمل دیگری نیست.

ج) در ایران تقاضای طلاق جز در موارد مصرح قانونی، از زن پذیرفته نمی شود در حالی که مرد مطلقاً از حق طلاق برخوردار است. اما در انگلیس هر یک از زن و مرد به طور برابر حق اقامه دعوای طلاق را دارند. د) در حقوق ایران و انگلیس طلاق با تصمیم یکی از طرفین و یا حتی توافق هر دو، صورت نگرفته و لزوماً حکم مربوط، باید توسط دادگاه صادر گردد.

ه) در حقوق ایرن طلاق ویژه عقد دائم است اما در حقوق انگلیس این ویژگی موضوعاً منتفی است، چون بر خلاف ایران تقسیم بندی نکاح به نکاح دائم و منقطع در حقوق انگلیس وجود ندارد. (شریعتی، ۱۳۹۶: ۸۵)

قوانین ایران با پیش بینی منابع مالی متعدد، حقوق مالی زوجه را تضمین نموده است. تأمین مالی زن در صورت تصمیم وی به عدم اشتغال نکته حائز اهمیتی است که مورد توجه قانون‌گذار بوده، زیرا به زن فرصت مناسبی می‌دهد تا با آرامش خاطر به امور داخلی منزل و به تربیت فرزندان همت گمارد. فقه امامیه و به تبع آن قانون مدنی ایران با جعل تعهدات اقتصادی خاص برای مرد (مهر در نکاح منقطع و دائم و نفقه در نکاح دائم)، از لحظه وقوع عقد ازدواج و با روشن نمودن شرایط مالکیت زن نسبت به مهر و نفقه، برخورداری و استقلال زن را نسبت به نیازهای مالی خویش از آغاز زندگی مشترک، تضمین نموده و راه هرگونه تسلط مرد بر زن را به جهت نیازهای مالی مسدود نموده است. (صانعی، ۱۳۹۶: ۶۲)

اهمیت استقلال زن، در تمام موارد، به خصوص در عرصه اقتصاد، از منظر فقه و معارف اسلامی، به قدری است که قانون شرط عدم مهر را باطل دانسته و حتی در صورت عدم تعیین مهر، زن غیر مدخوله را مستحق مهر المته و زن مدخوله را مستحق مهر المثل می‌داند. اسلام در تأمین حقوق مالی زن تا جایی پیش می‌رود که به زن اختیار می‌دهد، بعد از وقوع نکاح تا اخذ کامل مهریه از تمکین در زندگی زناشویی که بر زن واجب است و عدم رعایت آن موجب نشوز و سقوط نفقه می‌گردد؛ خودداری نماید. لذا حق حبس از موارد نشوز محسوب نمی‌شود و موجب سقوط نفقه نمی‌گردد. به علاوه دریافت مهریه جز نسبت به تمکین هیچ گونه تعهد شرعی و قانونی برای زن نسبت به مرد ایجاد نمی‌نماید. اسلام با اعطای چنین حقی به زن از وابستگی مالی وی به مرد جلوگیری نموده و از قرار گرفتن وی در وضعیتی که منجر به عسر و حرج گردد، پیشگیری می‌نماید.

از مستندات دیگر حمایت از حقوق مالی و استقلال زن در اسلام، حق زن نسبت به مازاد نفقه‌ای است که در ملکیت وی استقرار می‌یابد. با اینکه منشأ چنین مالکیتی اموال شوهر است، لیکن زن در تصرف آن مستقل بوده و در برابر مرد پاسخگو نخواهد بود. البته ممکن است سؤال شود که آیا حق زن نسبت به نفقه مطلق نبوده و تنها در صورت تمکین استقرار می‌یابد؟ در پاسخ توجه به این نکته لازم است که تمکین از آثار نکاح بوده و زن با قبول اصل نکاح، به نوعی، مقتضیات آن را نیز پذیرفته است، لذا دریافت نفقه یا مهریه برای زن مسؤلیت مضاعفی ایجاد نمی‌نماید. هم چنین تمکین علاوه بر تکلیف زن، حق زن نیز است. زیرا ارضای نیازهای جنسی زن و مرد از اهداف مهم ازدواج می‌باشد، تمکین از حقوق و تکالیف دوجانبه بوده و امتناع مرد از استمتاع جنسی زن نسبت به شوهر حقوق جداگانه‌ای برای زن ایجاد می‌نماید که در قانون پیش بینی شده است. (قابل، ۱۳۹۲)

به علاوه قانونی بودن مطالبه نفقه گذشته و امکان برداشت نفقه از اموال شوهر و حق درخواست طلاق از دادگاه در صورت استنکاف (با تمکن مالی) یا عجز زوج از پرداخت نفقه، از دلایل متقن حمایت شرع و

قانون از حقوق اقتصادی زن نسبت به اموالی است که منشأ آن زوج می‌باشد. حق تصرف کامل زن در اموالی که کسب می‌کند و عدم استحقاق شوهر در مداخله نسبت به تصرفات زن در اموال خویش، از دیگر دلایل حمایت از تأمین مالی زن می‌باشد. با توجه به نگرش کلی دین و قانون نسبت به حقوق اقتصادی زوجه، معلوم می‌شود که تعالیم فقهی با تحمیل تکلیف و الزام زوج به تأمین مالی زوجه و منع وی در مداخله و تصرف در اموال زن، حامی استقلال شخصیت، عزت نفس و تکریم وجودی زن بوده و به مرد حق هیچ‌گونه تعدی و تجاوز در حقوق مالی زوجه را نمی‌دهد. به علاوه تکلیف شرعی زوج بر تأمین مالی زوجه منجر به تأمین آرامش روحی و روانی زوجه می‌شود؛ لذا قوای زن در انجام مسئولیت‌های شرعی و تربیت اولادی صالح و با ایمان بسیج می‌نماید و از هرز رفتن نیروی وی در جهت تأمین هزینه‌های مشقت بار زندگی جلوگیری می‌کند. (قاسم زاده، ۱۳۸۴: ۲۰۴)

قانون انگلستان، در راستای تحولات روزافزون در جهت توسعه حقوق و آزادی، زن و مرد را از حقوق مساوی برخوردار نمود؛ لذا بعد از ازدواج هیچ‌کدام بر دیگری ریاست یا تفوق و برتری نداشته و نسبت به وظایف و اختیارات یکسان و برابر می‌باشند. از جهت مالی نیز هیچ‌یک نسبت به دیگری تکلیفی نداشته و زن در صورت عدم اشتغال، حق درخواست نفقه از شوهر را ندارد. شروع زندگی مشترک، از نظر قانونی، مبتنی بر تقسیم کار نبوده و تکلیفی را بر طرفین نسبت به یکدیگر ایجاد نمی‌کند. بدین جهت، در صورت بروز اختلاف در زمینه حدود مشارکت‌های اقتصادی بین زوجین، قانون از کارآیی و تأثیر گذاری لازم برخوردار نبوده و گره‌ای از کار طرفین نمی‌گشاید. تمهیدات قانونی در انگلستان، تنها زمانی کار آمد است که طرفین همه راه‌ها را طی کرده باشند و تصمیم به جدایی و طلاق بگیرند؛ زیرا در حالت عادی قانون هیچ‌گونه حمایت اقتصادی از زن نمی‌کند، بلکه حتی در مواردی که مرد در اثر بی‌کاری یا به علل دیگر، تمکن مالی خود را از دست بدهد، زن را در صورت تمکن مالی، ملزم به تأمین مالی زوج و فرزندان می‌نماید. درآمد ناشی از اشتغال، اگرچه اختصاصی بوده و زن و شوهر در تصرف و نحوه مصرف آن مستقل می‌باشند، لیکن در عمل و قانون، زوجین در برابر هزینه‌های مشترک زندگی مانند پرداخت اقساط وام و قبوض آب، برق، تلفن و .... مسؤل بوده و در صورت عدم توانایی زوج در تأمین هزینه‌ها، زوجه موظف به تأمین آنها می‌باشد. ایجاد چنین وضعیتی توسط قانون گذار، در مواردی که زن و شوهر هر دو شاغل و در یک سطح درآمد باشند، مشکلی ایجاد نمی‌نماید، ولی در مواردی که تنها مرد شاغل است، از آنجایی که تأمین مالی زن از نظر قانونی بر عهده مرد نیست، موجب وابستگی مالی زن به شوهر شده و امکان تسلط، چیرگی و سوء رفتار را نسبت به وی تشدید می‌نماید. در مواردی که تنها زن شاغل باشد، وی مکلف به تأمین مخارج منزل، شوهر و فرزندان بوده و عدم حمایت قانون از زن در این موارد راه را برای سوء استفاده اقتصادی زوج از زن که بنا به قانون فطرت باید متکفل تربیت فرزندان بوده و از نظر اقتصادی مورد حمایت قانون گذار قرار گیرد، می‌گشاید. (گرچی،



بررسی وضعیت قانونی زنان در ایران که مبتنی بر نگرش اسلامی است؛ در مقایسه با قوانین اروپایی (انگلستان) که مبتنی بر تساوی زن و مرد بوده و آنان را در عرصه‌های اقتصادی، بدون توجه به تفاوت‌های فطری، روحی، روانی و جسمی یکسان تلقی نموده‌اند، این امر نه تنها منجر به حمایت اقتصادی آنان نشده و وضعیت معیشت آنان را بهبود نمی‌بخشد، بلکه عدم توجه به ویژگی‌های فطری زنان در بسیاری موارد اسباب نابسامانی و عدم امنیت اجتماعی و اقتصادی آنان را فراهم می‌نماید. عدم توجه قانون‌گذار به حمایت‌های مالی لازم از زنان، از جمله عدم پیش‌بینی الزام و تعهد شوهران نسبت به تأمین مالی همسر، در بسیاری از موارد زنان را علیرغم میل‌شان، به اشتغال سوق داده و موجب کاهش تمایل زنان به ازدواج و تشکیل خانواده می‌شود. (مجبی، ۱۳۹۱: ۵۵)

#### مقایسه قوانین طلاق در انگلستان با قوانین طلاق در ایران

در مورد مقایسه قوانین طلاق در انگلستان با ایران، بحثی که مطرح است، این است درخواست طلاق به دلیل عسر و حرج در قانون ایران فقط از جانب زن با اثبات یکی از موارد امکان‌پذیر می‌باشد؛ در حالی که قوانین طلاق در انگلستان، این اجازه را هم به مرد و هم به زن می‌دهد که در صورت اثبات یکی از موارد عسر و حرج، درخواست طلاق بدهد و بین مرد و زن هیچ تفاوتی نمی‌باشد.

- در قوانین طلاق در انگلستان، برخلاف قانون ایران، طلاق نمی‌تواند بدون هیچ دلیلی فقط از جانب مرد مطرح گردد؛ بلکه هر یک از زوجین در صورت وجود دلیل می‌توانند درخواست طلاق بدهد.

- در قانون ایران، در صورت شرط ضمن عقد، هرگاه مرد بدون دلیل موجه به مدت شش ماه اقدام به ترک منزل و همسر خود بدون دلیل موجه نماید، می‌تواند زن درخواست طلاق کند. در حالی که در قوانین طلاق در انگلستان، چنین عملی به صورت مطلق برای هر یک از زوجین، اجازه درخواست طلاق را صادر می‌کند. (محقق داماد، ۱۳۹۵: ۱۲۸)

#### اجرا و ثبت حکم طلاق از دادگاه خانواده انگلستان در مراجع ثبت ایران

هرگاه زوجین ایرانی که در دادگاه‌های خانواده انگلستان، اقدام به طلاق کرده‌اند و حکم طلاق آنها در انگلستان مطابق با قوانین طلاق در انگلستان، صادر شده باشد، بخواهند آن را در ایران اجرا و ثبت کنند، محاکم ایران آنها را تحت شرایط ذیل به اجرا می‌گذارد:

- اسناد مزبوره به علتی از علل قانونی از اعتبار نیفتاده باشد.  
- مفاد آنها مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه‌ی ایران نباشد.  
- کشوری که اسناد در آن جا تنظیم شده، به موجب قوانین خود یا عهد، اسناد تنظیم شده در ایران را نیز معتبر بشناسد.

- نماینده‌ی سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که سند در آن جا تنظیم شده یا نماینده‌ی سیاسی و قنصلی کشور مزبور در ایران تصدیق کرده باشد که سند موافق قوانین محل، تنظیم یافته است. (مه‌رپور، ۱۳۹۳: ۲۵۳).

#### نتیجه‌گیری

در مباحث مربوط به حقوق زن و جایگاه والای زن امری است ارزشمند و دارای آثار و فواید خاصی است از آن جایی که دین مبین اسلام و حقوق ایران در زندگی خانوادگی و ارزش نهادن به امر مقدس ازدواج و آثار آن برای همگان توصیه کرده و حتی با تاکید فراوان بر این امر خطیر که با ازدواج نصف دین کامل می شود توجه دارد. اما یکی از پرسش های اساسی و مهم در بحث حقوق زن برای زنان طلاق است چرا که به فرموده پیامبر اکرم (ص) طلاق منفورترین و پست ترین چیزهاست و اما حلالی که خداوند در نهاد مقدس اسلام بر آن صحنه گذاشته است.

چرا که این موضوع در صورت عدم رعایت زندگی زناشویی منجر به نابسامانی ها و ناملایماتی می گردد که بنیان خانواده از آن سست می شود.

در حقوق ایران و قانون مدنی در ماده ۱۱۳۳ حق طلاق از حقوق قانونی شوهر است ولی با این وجود در بعضی از موارد زنان نیز می توانند از دادگاه در خواست طلاق نیز این موارد عبارتند از: استنکاف شوهر از پرداختن نفقه و عدم امکان الزام وی به انفاق؛ ناتوانی و عجز شوهر از پرداختن نفقه، غائب مفقودالثر بودن شوهر، و نیز عسر و حرج بودن زوجه در صورت ادامه زندگی زناشویی. اما از قرائن بخوبی می توان فهمید که مقصود این روایات و آیات بیان حکمی کلی و کبروی است.

بعلاوه (قاعده لاضرر) نیز مبنای دیگر برای این حکم است. تسلط انحصاری زوج بر امر طلاق حکم شرعی است که، در صورتی که موجب ضرر زوجه باشد از سیاق آیات قرآن کریم و روایات متعدد در باب طلاق این ضابطه کلی بدست می آید که مرد در زندگی خانوادگی باید دو راه را در پیش بگیرد یا وظایف خود را در قبال زن به خوبی و شایستگی انجام دهد. (فامساک بمعروف) و یا زن را رها سازد (او تسریح به احسان) اسلام به مرد اجازه نمی دهد که زن را در مضیقه و یا مشقت قرار دهد و نه حقوق و حدود او را رعایت کند، نه او را رها سازد.

اختیار طلاق با شوهر است و صحت آن احتیاج به موافقت زن و یا رسیدگی دادگاه و یا ثبت در دفتر رسمی طلاق ندارد. ولی تحقق آن ایقاعات دیگر از قبیل فسخ، ابراء، رجوع در طلاق نیست که هیچ گونه تشریفاتی در لازم نداشته باشد بلکه ایقاعی است تشریفاتی به دستور ماده (۱۱۳۴) به صیغه طلاق فرد حضور لاقفل دو نفر مرد عادل که صیغه طلاق را بشنوند واقع است.

در این بحث سعی شده است که در تمام مذاهب اسلامی به خصوص فقه امامیه و یا قانون مدنی و تطبیق آن با حقوق بین الملل، طلاق به درخواست زن بررسی و موردنظر قرار گیرد تا با اهداف روشن و قانون مداری به این فریضه توجه ویژه شود گرچه قانون راهکارهایی را مدنظر قرار داده اما آیا برای عاقبت و عافیت این حق چه برنامه هایی تدوین گردیده است. بنابراین جدیدترین قانون در مورد موجبات طلاق مصوب سال ۱۳۸۱ است که در ماده ۱۱۳۳ و تبصره آن که زن نیز می تواند با وجود شرایط مقرر در مواد ۱۱۱۹، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، این قانون از دادگاه تقاضای طلاق نماید.

این در واقع تحولی جدید در باب موجبات طلاق در حقوق ایران و بلکه نوعی هماهنگی بین قانون مدنی و سایر قوانین به وجود آورد و متناسب با رویکردها جاری در جهت کاهش نابرابری بین حقوق زن و مرد، و ادبیات قانون تحولی را سامان بخشید.

درخواست‌های طلاق بر اساس اینکه چه کسی آن را ارائه کرده باشد به سه دسته تقسیم می‌شوند و عبارت‌اند از: طلاق به درخواست مرد، طلاق به درخواست و از طرف زن و طلاق توافقی. از جمله موارد حقوقی در قانون مدنی «حق طلاق» است که طی ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی به مرد واگذار شده است. این ماده قانونی منشأ مباحثات فراوان و نقض و ابرامهای متعدد گشته است. مخالفین از دو نظر به مخالفت برخاسته و ضعف این قانون را از دو جهت برملا می‌سازند، یکی از نگاه حقوق بشر و لزوم اعطای حق مساوی به زنان و مردان و اینکه در جهان متمدن کنونی، زنان را شهروند درجه دو به حساب آوردن و برخورد حقارت آمیز با آنان را برنمی‌تابد، و برخی دیگر فارغ از نگاه‌ها و فضاوت‌های دیگران، اصولاً چنین قانونی نمی‌تواند و نباید به اسلام نسبت داده شود و ادله‌ی احکام و استنباط صحیح، اقتضای چنین برداشتی را ندارد.

برحسب ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی «در صورت استتکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه، زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر را اجبار به طلاق می‌نماید. همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه.»

بر اساس ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی «در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند. چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.» در قانون مدنی حقوق بین الملل هم زوجه در صورت عسر و حرج می‌تواند درخواست طلاق بدهد.

گاهی متأسفانه قضات دادگاه‌ها تنها بر اساس موارد پنجگانه‌ای که در ماده ۱۱۳۰ آمده زنان را محق برای طلاق میدانند و مواردی دیگر از قبیل خیانت و سوء معاشرت و جنون و عنین (در مواردی که فسخ نکاح ممکن نیست) ناتوانی از آمیزش و ... صدها مورد دیگر که ممکن است زنی را با توجه به روحیات و موقعیت خاص انچنان بیازارد که تحمل زندگی مشترک بر او تمام شود جزو موارد عسر و حرج ندانسته و به رغم غیر حصری بودن مصادیق پنجگانه گاهی این موارد جزو عسر و حرج تلقی نشوند. بهتر است در پیدا کردن مصادیق عسر و حرج به قالب نوعی و شخصی در کنار هم اشاره شود و نیز این نتیجه جز با فهم و ادراک بالای قضات (در حال حاضر به خاطر نبودن نص قانونی مشخص) ممکن نمیشود. تا به قولی دفع افسد به فاسد بهتر از هراس از فاسد است.

ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ در واقع به لحاظ در نظر گرفتن قاعده عسر و حرج به عنوان یک قاعده علمی و کلی، در برگیرنده مصادیق مختلفی است. در واقع قانونگذار با عدول از شیوه پیشین یعنی

احصاء موارد معین عسر و حرج زوجه، راه را برای طرح دعاوی متعدد با منشاء واحد یعنی تحقق عسر و حرج زوجه باز گذاشته است.

این امر بدان معنی است که هر عنوان حرجی که توأم با مشقت و سختی زوجه در ادامه زوجیت باشد می‌تواند سبب طرح دعوی مطابق ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی گردد. ناگفته پیداست که این تحول در اطلاق قاعده عسر و حرج کاربرد عام آن در ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی تحولی مثبت و کار ساز است و به همه مصائب و گرفتاری های زوجه و مشکلاتی که در ادامه زندگی ناخواسته و تحمیلی است پایان می‌دهد. در مورد مقایسه ی قوانین طلاق در انگلستان با ایران، بحثی که مطرح است، این است درخواست طلاق به دلیل عسر و حرج در قانون ایران فقط از جانب زن با اثبات یکی از موارد امکان پذیر می‌باشد؛ در حالی که قوانین طلاق در انگلستان، این اجازه را هم به مرد و هم به زن می‌دهد که در صورت اثبات یکی از موارد عسر و حرج، درخواست طلاق بدهد و بین مرد و زن هیچ تفاوتی نمی‌باشد.

- در قوانین طلاق در انگلستان، بر خلاف قانون ایران، طلاق نمی‌تواند بدون هیچ دلیلی فقط از جانب مرد مطرح گردد؛ بلکه هر یک از زوجین در صورت وجود دلیل می‌توانند درخواست طلاق بدهد.

- در قانون ایران، در صورت شرط ضمن عقد، هرگاه مرد بدون دلیل موجه به مدت شش ماه اقدام به ترک منزل و همسر خود بدون دلیل موجه نماید، می‌تواند زن درخواست طلاق کند. در حالی که در قوانین طلاق در انگلستان، چنین عملی به صورت مطلق برای هر یک از زوجین، اجازه درخواست طلاق را صادر می‌کند.

### منابع

- احمدیه، مریم و جمشید جعفرپور (۱۳۸۱) طلاق به درخواست زن؛ به درخواست شوهر. تهران: سفیر صبح.
- ارجمند دانش، جعفر (۱۳۸۹ ش). بررسی قاعده عسر و حرج و کاربرد آن در طلاق و بررسی مصادیق جدید ۱۱۳۰ ماده ق.م. تهران: بهنامی چاپ دوم.
- اسدی، لیلا سادات و فریده شکری، (۱۳۹۴) آئین دادرسی امور و دعاوی خانوادگی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۳۹۳ ش). المفردات فی غریب القرآن، تهران: مرتضوی، چاپ اول
- اکبری، سیده لیلا (۱۳۹۹) بررسی حق طلاق زوجه از منظر اسلام و حقوق بین الملل، کنفرانس ملی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، کازرون.
- السان، مصطفی (۱۳۸۵)، «تنوری حق تکلیف»، مجله حقوق بشر، دوره اول، شماره ۱.
- امامی، حسن (۱۳۹۱) حقوق مدنی، جلد اول، تهران، کتابفروشی اسلامیه، چاپ دوم.
- صابری صفایی، عبدالعلی (۱۳۹۶)، موجبات و آثار طلاق در حقوق مدنی ایران، فرانسه، شوروی و مصر، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- امینی، اعظم و ناصری، زینب (۱۳۹۸) بررسی قاعده عسر و حرج و کاربرد حقوقی آن در مساله طلاق، اولین همایش بین المللی فقه و حقوق، وکالت و علوم اجتماعی، همدان

- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۶)، حقوق خانواده، چاپ چهارم، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶)، خانواده متعادل و حقوق آن، تحقیق و تدوین: ابراهیم جوانمرد فرخانی، چاپ اول، قم: مرکز نشر اسراء.
- دیانی، عبدالرسول (۱۳۹۷)، حقوق خانواده ازدواج و انحلال آن، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- روشن، محمد، (۱۳۹۰) حقوق خانواده، تهران: جنگل.
- شریعتی، الهام و مرضیه ولی حصارى، (۱۳۹۶). حقوق جنسی زوجین در فقه و حقوق موضوعه، تهران: خرسندی.
- شهریارى، میترا (۱۳۹۵) درخواست طلاق به دلیل عسر و حرج ناشی از تنفر، نخستین کنگره بین المللی جامع حقوق.
- عرب نظرگاه، محبوبه (۱۳۹۷) بررسی ماهیت حقوقی مهریه، نوع رابطه آن با نکاح دائم در نظام حقوق خانوادگی اسلام، تهران، شرکت سهامی انتشار
- عظیم زاده اردبیلی، فائزه، گستره کاربرد قاعده عسر و حرج در نظام حقوقی خانواده، نشریه ندای صادق، دانشگاه امام صادق (ع) شماره ۴۹-۱۲-
- قابل، احمد (۱۳۹۲)، احکام بانوان در شریعت محمدی (ص)، چاپ اول، انتشارات شریعت عقلانی.
- قاسم زاده، سید مرتضی؛ ره پیک، حسین؛ کیایی، عبدا... (۱۳۸۴)، تفسیر قانون مدنی، چ ۲، تهران: سمت.
- کریمی، قوام (۱۳۸۶) نگاهی به عسر و حرج زوجه در حقوق ایران، نشریه تخصصی، آموزشی و حقوقی، سال پنجم - محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۵) حقوق قراردادها در فقه امامیه، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- کریمی نیا، محمد مهدی (۱۳۸۸) طلاق توافقی از گذشته تاکنون با توجه به قوانین. دادرسی، ش ۸،
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۵) حقوق قراردادها در فقه امامیه، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- محلاتی، محمد سروش (۱۳۸۷)، «ابهامات فقهی-حقوقی وکالت زوجه در طلاق»، مجله فقه و حقوق، سال پنج.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶)، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ چهل و ششم، انتشارات صدرا.
- مهرپور، حسین، (۱۳۸۰) مباحثی از حقوق زن از منظر: حقوق داخلی، مبانی فقهی و موازین بین المللی...، تهران: اطلاعات.
- موسوی خوشدل، سید صمد (۱۳۹۴)، «طلاق، مردان و زنان»، کتاب نقد، سال سوم، شماره ۳، شماره مسلسل ۱۲